**مقدمه**

**در طول تاريخ حيات فكرى شيعه، محدثان نام‏آور، پيوسته به گردآورى و تنظيم مجموعه‏هايى از روايات معصومين عليهم السلام مبادرت ورزيده‏اند، گر چه انگيزه، هدف، شيوه و محدوده احاديث گردآورى شده يكسان نبوده است اما در مجموع تلاش محدثان زمينه حفظ و بقاء آثار شيعه و اعتلاى مكتب را فراهم آورده است. اين مجموعه‏ها فراتر از كتب مشهور روايى «محمدون اول‏» و «محمدون اخر» است. (1)**

**يكى از اين مجموعه‏هاى گران‏بها، كه در اين نوشتار به آن مى‏پردازيم «عوالم‏العلوم والمعارف والاحوال من‏الآيات والاخبار والاقوال‏»; نگاشته محدث خبير و متتبع، مرحوم شيخ عبدالله بحرانى است.**

**اين كتاب اندكى پس از تاليف «موسوعه بحارالانوار مجلسى‏» نگاشته شده است اما تا قبل از دو دهه اخير جز بعضى از مجلدات آن به چاپ نرسيده بود، پس از پيروزى انقلاب اسلامى با همت و تلاش آية‏الله سيد محمدباقر موحد ابطحى اصفهانى چاپ مناسبى از اين كتاب همراه با تصحيح و تعليقات و استدراكات فراوان آغاز گرديد; به طورى كه تاكنون بيش از پانزده مجلد از آن به بازار عرضه شده و يا آماده چاپ است. با توجه به حجم قابل توجه استدراكات آقاى ابطحى و ويژگيهاى ديگرى كه در تحقيق اين كتاب صورت پذيرفته است‏بررسى «عوالم‏» و «مستدرك‏» آن را جداگانه ارائه مى‏كنيم. اميد آنكه اين مقال زمينه‏اى مناسب براى توجه بيشتر خوانندگان بر اين اثر گرانقدر فراهم آورده و در تكميل و بالندگى اين كار عظيم مؤثر افتد.**

**بررسى كتاب عوالم**

**الف - در باره شناخت مؤلف آن: مؤلف اين مجموعه، مرحوم شيخ عبدالله بن نورالدين بحرانى است، از شرح حال و تاريخ تولد و وفات وى اطلاعى در دست نيست. همچنانكه در بعضى از كتب تراجم از او يادى نكرده‏اند و در تراجم قرن حاضر نيز در باره او اطلاعات محدودى ثبت‏شده است; تنها دو نكته در باره وى ذكر شده است: اول آنكه، وى از شاگردان مرحوم علامه مجلسى بوده است و دوم آنكه، كتاب «عوالم‏» را تاليف كرده است. (2) گر چه ترجمه نويسان كمتر به شركت وى در مجموعه شاگردانى كه در تاليف بحارالانوار شركت داشته‏اند، اشاره كرده‏اند; اما بحرانى خود در مقدمه عوالم‏العلوم (مخطوط) به شاگردى بيست‏ساله‏اش نسبت‏به مرحوم علامه مجلسى اشاره مى‏كند (3) و ضمن تجليل فراوان، اعتماد خود را در تاليف بر استاد مى‏داند. (4) به نظر مى‏رسد مؤلف در زمان خويش شهرت چندانى نداشته است اما وجود نسخه‏هايى از كتاب عوالم ياد او را باقى گذارده است. از اين روى در كتب تراجم نگاشته شده در قرون دوازدهم و سيزدهم حتى بعضى از كتبى كه شرح و ترجمه علماى بحرين را متكفل بوده است (همچون لؤلؤالبحرين) از او يادى نشده است.**

**ب - نام كتاب: نام كامل كتاب «عوالم‏العلوم والمعارف والاحوال من‏الآيات والاخبار والاقوال‏» است. اين كتاب شباهتهاى زيادى به بحارالانوار دارد، در فهرست كتابهاى خطى كتابخانه آية‏الله مرعشى نجفى در باره اين كتاب آمده است:**

**كتاب بسيار مفصلى است. در بيش از صد جلد كه احاديث و روايات را از مصادر مختلف شيعه گرد آورده و در هر بابى آيات مناسب با آن را نيز مى‏آورد و در آنجا كه احتياج به شرح داشته باشد به عنوان «بيان‏» مطالبى ذكر مى‏كند. «عوالم‏»، به حسب تقسيم مؤلف، در صد كتاب مى‏باشد پنجاه كتاب در اصول و پنجاه كتاب در فروع و مجموع جزءهايش صد و بيست و هشت جزء است. (5) در كتابخانه آية‏الله مرعشى نسخه خطى 66 جزء (حدود نيمى از آن) هست، حجم اين نسخه‏ها يكسان نيست، حداقل 50 برگ و حداكثر 366 برگ دارد ولى غالبا نسخه‏هاى آن داراى 150 تا 250 برگ مى‏باشد.**

**مرحوم آغا بزرگ طهرانى در باره كتاب اطلاعات دقيقى نداشته است گر چه بعضى از مجلدات آن را در نجف، تبريز و تهران رؤيت كرده است. وى مى‏نويسد:**

**كتاب جامع‏العلوم و... كتاب بزرگى است كه به مقدار كثيرى نسبت‏به مجلدات بحارالانوار بيشتر است‏بلكه گفته مى‏شود كه به صد جلد مى‏رسد و شنيده‏ام كه همه آن در يزد موجود است. (6)**

**احتمالا مقصود ايشان از يكصد جلد، قطع رحلى بزرگ بوده كه بحارالانوار ربع آن مى‏شود. ولى با مراجعه به نسخه‏هاى موجود عوالم روشن مى‏شود كه تفاوت حجم اين دو كتاب به ده درصد نيز نمى‏رسد.**

**حضرت آقاى ابطحى كه تحقيق اين كتاب را انجام مى‏دهند همه نسخه‏هاى خطى كتاب به جزء سه جزء مربوط به امام جواد، امام هادى و امام عسكرى عليهم السلام را در اختيار دارند، به گفته ايشان اين سه جزء كلا مفقود است. (7) و آنچه موجود است تفاوت زيادى از نظر حجم با بحارالانوار ندارد.**

**صاحب اعيان‏الشيعه نيز به بيشترى عوالم نسبت‏به بحارالانوار اشاره كرده است اما اضافه مى‏كند كه تنها 54 جلد آن موجود است. (8) اما ميرزاى نورى مى‏نويسد كه عوالم همان بحارالانوار استاد بزرگ اوست (9) و به نظر نگارنده نيز كلام ميرزا به واقع نزديكتر است.**

**در هر صورت با توجه به اينكه تحقيق و انتشار اين كتاب توسط مؤسسة الامام المهدى عليه السلام با جديت پيگيرى مى‏شود و نسخه‏هاى خطى اين كتاب نيز در دست محققين اين مجموعه است. بحث در اين باره نيازى به تطويل كلام ندارد و انشاءالله تمام نسخه‏هاى آن به طور محقق در اختيار عموم قرار مى‏گيرد.**

**مقايسه محتواى عوالم و بحار**

**نكته اساسى مقايسه بين اين دو مجموعه روايى است; با اينكه حجم دو مجموعه تفاوت چندانى با هم ندارد و بحرانى نيز قطعا در جريان تاليف بحار قرار داشته است چه انگيزه‏اى زمينه تحمل به رنج تاليف اين مجموعه را بر وى هموار كرده است; در اين زمينه ترجمه نويسان ياد شده ديدگاه يكسانى ندارند. ميرزاى نورى «عوالم‏» را «بحار»ى ديگر مى‏داند مگر آنكه بحرانى آن را صورتى ديگر بخشيده است (10) و صاحب طبقات اعلام‏الشيعه در توضيح اين كلام نورى مى‏نويسد:**

**عوالم از جهت اخبارى‏گرى شديدتر است و از بحارالانوار، اكثر معارف عقليه را حذف كرده است. (11)**

**آقاى دانش پژوه كه فهرست مخطوطات مجلس شوراى ملى را جمع‏آورى كرده است عوالم را بحار ديگرى مى‏داند به گونه‏اى ديگر و بهتر از آن. اما نويسنده كتاب زندگينامه علامه مجلسى كه خود ناقل عبارت فوق است اظهار مى‏كند كه:**

**تاكنون هيچ يك از محدثين كه هر دو كتاب را ديده‏اند چنين نظريه‏اى را اظهار ننموده‏اند. شايد علت‏بهتر دانستن ايشان (آقاى دانش پژوه) داشتن خبرهاى اهل سنت در عوالم باشد. (12)**

**يكى از عمده‏ترين دليل خرده‏گيران آنست كه با وجود مشابهت‏بسيار اين دو مجموعه كه نه تنها در روايت‏بلكه در توضيحات و بيانها نيز در لفظ و محتوى عينيت و مطابقت غالبى وجود دارد; اما هرگز بحرانى از كتاب استاد خود ياد نمى‏كند. (13) ترجمه مقدمه جلد دوم (آغاز كتاب العقل والجهل نيز مؤيد اين نكته است.) وى مى‏نويسد:**

**اين جلد دوم از كتاب عوالم‏العلوم و... است كه آن را اين فقير كالاى عقل و خواهان آن از معطى عقل جمع و تاليف كرده است، در اين كتاب كلام را براى صاحبان خرد و قرابت مختصر كرده است چرا كه عاقل را اشارتى كافى و جز او را هزار عبارت ناكافى است. (14)**

**اشاره نكردن بحرانى به موسوعه بحار زمينه قضاوتهاى تندى را بر ضد وى فراهم آورده است. نويسنده كتاب زندگى‏نامه علامه مجلسى قدس سره او را به حق ناشناسى و قصد انتساب زحمات علامه به خود متهم نموده است و به بعضى از نسخ خطى كه بالاى صفحه بر نام علامه مجلسى خط كشيده و نام شيخ عبدالله بحرانى نوشته شده، اشاره كرده و احتمال داده است كه براى صرفه جويى بعضى از مجلدات بحار را بعينه در موسوعه عوالم جاى داده است. (15)**

**در مقابل نيز بعضى كار بحرانى را ادامه بحار دانسته و وى را محقق آرزوى برآورده نشده علامه دانسته‏اند. (16) چرا كه علامه مجلسى در آغاز بحارالانوار نوشته است:**

**در خاطرم اين گونه مى‏گذرد كه اگر اجل فرصت دهد و توفيق و فضل الهى مددكار شود بر اين كتاب شرح كاملى را بنويسم كه در بر دارنده اهدافى باشد كه در تصنيفهاى اصحاب يافت نمى‏شود. شرحى كه مطلب در آن براى خردمندان به نهايت رسد. (17)**

**به نظر نگارنده قضاوتهاى پيش گفته غالبا ناصواب است و بعضا به جهت عدم اطلاع به مجموعه عوالم و عدم اشراف به كار بحرانى صورت پذيرفته است.**

**با مراجعه به جلد اول و دوم اين دو مجموعه كه شامل توضيحات مباحث اعتقادى است و از ديدگاه صاحب طبقات بايد بيشتر مباحث عقليه در آن باشد روشن مى‏شود كه بسيارى از توضيحات علامه مجلسى بدون هيچ‏گونه تغييرى نقل شده است; مثلا توضيح نسبتا بلندى كه مرحوم علامه مجلسى در باره معانى و اطلاقات عقل آورده است‏به همان صورت و فقط با جابجايى بعضى از معانى در عوالم آمده است. (18) جالب توجه آنكه اين بيان عقلى از مشرب اخبارى ذكر شده است و هيچ‏گاه حذف آن به معناى شدت در اخبارى‏گرى محسوب نمى‏شود. در حاشيه بحارالانوار مطبوع دو حاشيه اعتراض آميز طولانى از فيلسوف و مفسر معاصر، مرحوم علامه طباطبايى نسبت‏به اين بيان به چشم مى‏خورد. (19)**

**در هر صورت گرچه بيان ميرزاى نورى در اينكه «عوالم، بحارى است‏» در صورت ديگر صحيح است اما توضيحات مرحوم آغا بزرگ تهرانى در اين باره ناتمام مى‏نمايد.**

**گرچه نگارنده همه نسخه‏هاى خطى عوالم را نديده است; اما مقدار مطبوع اين كتاب و بعضى از نسخه‏هاى خطى در تنظيم مطالب با بحارالانوار تفاوت اساسى دارد و اينكه در بالاى صفحات يك مجلد نام علامه مجلسى خط خورده است نمى‏توانند قضاوت افرادى چون نويسنده زندگى‏نامه علامه مجلسى را تصحيح نمايد.**

**از سوى ديگر، علامه مجلسى در عبارت ياد شده آرزوى شرح مفصل اين مجموعه را داشته كه حتما اين شرح چند برابر متن مى‏گرديده است; ولى آنچه بحرانى ارائه كرده هرگز شرح بحارالانوار محسوب نمى‏شود. آنچه در ديدگاه نگارنده موجه جلوه مى‏نمايد هدف اساسى بحرانى در يك جمله خلاصه مى‏شود: وى به دنبال بازسازى موسوعه بحارالانوار به هدف ارائه نظم منطقى و تفريع ابواب مختلف بوده و در اين راه نيز توفيق نسبتا خوبى - با توجه به هم عصرى وى با مؤلف بحارالانوار - داشته است. نظم منطقى اين كتاب را در دو زمينه مى‏توان مشاهده كرد:**

**الف - كثرت عناوين مرتبط و در عين حال جمع‏آورى آن عناوين در يك جا:**

**بحارالانوار، كتابى است كه نسبتا از عناوين اصلى كمى برخوردار است. جداى از نقل مفصل بعضى از كتب - بدون ارائه هيچ عنوان و سر فصل در ميان آن - مثل رساله محكم و متشابه نعمانى، و نقل بعضى از روايات طولانى به همين صورت (مانند روايت منقول از موسى بن جعفر عليه السلام در باره عقل) در هر باب روايات متعددى را مى‏آورد كه به حسب مدلول، تقسيمات متعددى را بر آن مرقوم مى‏دارند. مثلا به طور مجمل با نگاهى به دو كتاب: العقل والجهل و كتاب العلم اين گونه به دست مى‏آيد:**

**- تعداد احاديث كتاب العقل والجهل، 107 حديث; تعداد ابواب آن، 5 باب و تعداد صفحات آن تا 81 صفحه آمده است.**

**- و تعداد احاديث كتاب العلم، 1333 حديث; تعداد صفحات آن 484 صفحه و تعداد ابواب آن نيز 35 باب مى‏باشد.**

**به طور متوسط در كتاب «بحارالانوار» (كتاب العقل)، در هر شانزده صفحه و براى هر 21 حديث‏يك باب منعقد شده است و در كتاب العلم در هر سيزده صفحه و براى هر 30 حديث‏يك باب وجود دارد. در حالى‏كه كتاب «عوالم‏» در كتاب العقل والجهل در ضمن پنج‏باب اصلى، 41 باب گشوده است و 190 روايت را در آن جاى داده كه تقريبا هر پنج‏حديث و هر سه صفحه در يك باب قرار گرفته است. مجموع ابواب كتاب العلم نيز در عوالم 131 باب است كه چهار برابر نسبت‏به ابواب بحارالانوار بيشتر است.**

**بحرانى در تنظيم ابواب خود گر چه از محتواى بعضى از كتب قدما نيز استفاده برده است اما غالبا همان مطالب موجود در بحارالانوار را به صورتى ديگر و با نظم منطقى در ابواب جديد ريخته است; البته احاطه ايشان به ابحاث بحارالانوار سبب شده است كه از ابواب متعدد و كتب متعدد بحار در تنظيم مطالب خود بهره جويد; مثلا باب «الاشياءالتى تزون فى‏العقل‏» را از جلد 66 بحارالانوار بهره گرفته كه در آغاز جلد دوم عوالم آورده است. در اين بازسازى، جايگاه آيات مذكور در اول هر كتاب را نيز تغيير داده و ايشان به تناسب هر باب، آيات مناسب با آن را ذكر كرده است.**

**ب - دست زدن به تنظيم تاريخى روايات و اخبار در يك باب:**

**اينكه روايات موجود در يك باب، كدام مقدم و كدام مؤخر باشد و چه معيارى آنها را مقدم و مؤخر سازد; از دير باز مورد توجه و اختلاف نظر بوده است. به طورى كه در كتاب كافى، غالبا روايات از جهت‏سند و وضوح دلالت، تنظيم شده است. رواياتى كه در آغاز باب است از كمال سند و وضوح دلالت‏برخوردار است و به ترتيب در اين دو زمينه كاستى دارد و عاقبت‏به معارض‏ها و... نيز مى‏رسد. شيخ حر عاملى نيز تقريبا همين شيوه را در پيش گرفته است. از آنجايى كه مؤلفان جامع احاديث‏شيعه نيز، بر اساس مدلول روايات، آن را به طوائف مختلفى تنظيم كرده و هر طائفه را در كنار هم آورده‏اند. (20) حال آنكه اين نكته در بحارالانوار به ترتيب خاصى به چشم نمى‏خورد.**

**بحرانى ترتيب روايات را بر اساس تاريخ صدور تنظيم كرده است. بر اين اساس، اول روايات منقول از پيامبر صلى الله عليه وآله وسلم، پس از آن صحابه و تابعين، پس از آن روايات ائمه از امام على عليه السلام تا حضرت مهدى (عج) و بعد از آن به مطالب منقول از كتب قدما، پرداخته است. و براى تحقق نظم بيشتر رواياتى كه يك امام از امام قبلى يا پيامبر اكرم صلى الله عليه وآله وسلم نقل كرده است نسبت‏به روايات آن امام (كه اين گونه نيست) مقدم ذكر شده است.**

**روشن است كه هر يك از اين ترتيب‏هاى ياد شده فايده خاصى دارد. تنظيم بحرانى بيش از هر چيز براى به دست آوردن سير تاريخى يك مساله مفيد است; مثلا در ذكر روايات مربوط به فدك يا هر پديده مطرح اجتماعى و... مى‏توان خصوصيات تاريخى بر خورد معصومين، اصحاب و تابعين و ارباب كتب را به دست آورد.**

**اگر ايشان نيز چنين هدفى را دنبال مى‏كرده است‏شايسته آن بود كه روايات نقل شده توسط يك امام را در ضمن روايات منقول عنه قرار مى‏داد نه ناقل.البته اگر اين احتمال قوت داشته باشد كه «روايات منقول از نبى صلى الله عليه وآله وسلم توسط معصومين عليهم السلام از سوى پيامبر اكرم صلى الله عليه وآله وسلم به طور عادى و عمومى ابلاغ نشده و ظرف ابراز عمومى آنها در زمانهاى بعد مقدر بوده است‏»; با اينحال وجهى براى تقدم اين روايات نسبت‏به روايات ديگر امام ناقل وجود ندارد.**

**با توجه به اين دو ويژگى (خصوصا ويژگى اول كتاب عوالم)، كار بحرانى ستودنى است. گرچه تكرار غالب توضيحات علامه مجلسى بدون توجه به نام نويسنده آن، كار شايسته‏اى نيست مگر آنكه به جهت‏شركت ايشان در مجموعه همكاران علامه در تصنيف بحارالانوار صحت استناد توضيحات به ايشان ناروا محسوب نگردد.**

**عدم استقبال گسترده از اين كتاب، در مقابل كتاب بحارالانوار، به طورى كه با دو دهه اخير تنها كتاب مقتل اين مجموعه چاپ شده بود; مى‏تواند به يكى از دو مطلب زير مستند باشد:**

**1. شخصيت پرفروغ و مشهور علامه مجلسى و گسترش نفوذ وى زمينه مقبوليت اثرى مشابه و به يك معنا تكرارى، آنهم توسط يكى از شاگردان كم نام را از بين برده بود.**

**2. تنظيم و فصل‏بندى منطقى، تكثير ابواب (كه شاخصه و امتياز اصلى كتاب عوالم بر بحار است) در دورانهاى قبل چندان مورد توجه نبوده است; گرايشهاى محتوايى بيش از گرايشهاى شكلى بوده; خصوصا با توجه به اينكه بحارالانوار نيز تا حدى از تنظيم فصول - لااقل در حد كتب روايى ماقبل خود - بهره داشته است. لذا دليلى براى ترجيح عوالم بر بحار يا طرح آن ديده نمى‏شده است. آن گونه كه حضرت آقاى ابطحى (محقق و ناشر اين مجموعه) ابراز داشتند توجه ايشان به اين كتاب نيز به دليل فصل‏بندى مناسب و تكثير عناوين در قالب اين مجموعه بوده است.**

**ج - ويژگى تحقيقات مؤسسه امام‏المهدى (عج):**

**همان طور كه گفتيم جناب آقاى ابطحى تحقيق گسترده‏اى را در ضمن احيا و چاپ اين اثر به انجام رسانيده است. ويژگى مهم تحقيق ايشان، پويايى آن است. از سال 1403 هق كه اولين جلد محقق چاپ شده است تا اين تاريخ كه حدود 15 سال از كار اين مؤسسه مى‏گذرد; تفاوت واضحى در تحقيق اين كتاب به چشم مى‏خورد. جلد 11 اين مجموعه كه در باره فاطمه‏الزهراء عليها السلام است، تاكنون سه بار چاپ گرديده است و چاپ سوم آن در دو مجلد و حدود دوهزار صفحه است; در حالى كه چاپ اول آن كمتر از 500 صفحه بوده است.**

**يكى از عمده‏ترين كارهاى مؤسسه، پيش گفته استمرار هدف علامه مجلسى در گردآورى جامع احاديث، با توجه به امكانات امروز و استفاده از كتابخانه‏هاى دنيا و ميكرو فيلم‏هاى كتب و... مى‏باشد.**

**در اين راستا در غالب ابواب «عوالم‏» استدراكاتى اضافه شده است و مطالب و رواياتى كه به چشم گذشتگان نيامده و يا در دسترس آنان نبوده است; به طور مجزا ذكر شده است. گاهى نيز به اضافه كردن باب نيز پرداخته شده است، اما ساختار كلى عوالم كماكان به حال خود باقى مانده است.**

**كار عمده ديگر اين تحقيق، تلاش در جهت ارائه مصادر احاديث موجود در عوالم از بحارالانوار و كتب اصلى و نيز از ديگر مراجع معتبر است; مثلا براى حديثى كه حضرت فاطمه عليها السلام را جزء برترين زنان بهشت مى‏داند، حدود 50 مصدر آورده است (21) و براى حديث «ان فاطمة بضعة منى فمن اغضبها فقد اغضبنى‏» به حدود 40 مصدر اشاره مى‏دارد. (22) نكته جالب توجه آنست كه سعى بر آن شده است تا با مراجعه به كتب و روايات مصادر اهل سنت، احاديث مربوط به فضائل اهل بيت عليهم السلام و شيعه به روايت كهن اهل سنت نيز مستند شود.**

**مقابله، تصحيح، شرح كلمات مشكل روايات - افزون بر آنچه بحرانى آورده است - ارائه جمع‏بنديهاى روايى و استنباط فقهى، در ضمن نقل ابواب حديثى; خصوصا در مجلدات اخيرالانتشار، شرح حال و توضيح و ترجمه راويان، محدثان و شاعران، توضيح نام قبايل، فرقه‏ها و مكانهاى تاريخى و در نهايت ارائه فهرستهاى فنى مختلف كه در بعضى از مجلدات اين فهرست‏ها از 30 نيز تجاوز مى‏كند; زمينه مراجعه و استفاده سريع از اين مجموعه را هموار مى‏سازد.**

**به نظر مى‏رسد كه مجموعه تحقيق شده و همراه با استدراك «عوالم‏العلوم‏»، فصل جديدى در جوامع احاديث‏شيعه گشوده شود; اما با اين حال نيازمند به تلاشهاى ارزنده ديگر، در تكامل و غناى بيشتر آن مى‏باشد. عناوين موجود در عوالم گرچه نسبت‏به بحارالانوار از كثرت و مطلوبيت‏بيشترى برخوردار است و در دوره آن استاد و شاگرد، شايد بهترين فصل‏بندى به حساب بيايد; اما هرگز اين فصل‏بندى در زمان ما و پس از گذشت‏سيصد سال نمى‏تواند بهترين آن محسوب شود. لااقل دو نكته زمينه بازسازى عناوين عوالم را موجه مى‏سازد:**

**اول: در اثر گذر زمان و تحول مفاهيم و الفاظ و پيدايش موضوعات جديد، بايد در ارائه عناوين متناسب با زمان و فهم مردم آن كوشيد; مثلا تقسيم زندگى ائمه عليهم السلام و سيره آن بزرگواران به سيره فردى، اخلاقى، اجتماعى، اقتصادى - سياسى، فرهنگى و ذكر ديدگاههاى آن بزرگواران در باره هنر، ورزش، تفريح و... كه امروزه مورد نياز مبرم فرهنگ جوامع اسلامى است - با اينكه احاديث زيادى در اين زمينه‏ها وارد شده است و بدون كمترين اجتهاد و تفسير به راى با اين عناوين منطبق مى‏باشد -; به اين صورت در جوامع حديثى پيش گفته عنوان نگرديده است.**

**همچنانكه در شاخه‏هاى مختلف علوم اسلامى چون تفسير، كلام قديم و كلام جديد، فقه، حقوق و... موضوعات مستحدث و يا عناوين جديدى از خارج (عرف زمان و...) گرفته مى‏شود و احكام آن از شريعت اسلامى استنباط مى‏گردد; در ارائه عناوين جزئى و كلى جوامع حديثى اين كار بايد صورت پذيرد.**

**دوم: امروزه فن نگارش، تعيين عناوين و تيتر و سوتيترها به طور محسوسى پيشرفت كرده است; به طورى كه در شيوه نام‏گذارى، كوتاه و گويا كردن عنوان و ارائه تقسيمات اصلى به فرعى و نيز فرعى به فرعى و... متعدد تلاشهاى زيادى مى‏شود تا زمينه دستيابى به مطالب و فهم آنها هموارتر گردد. در كتاب عوالم بعضى از عناوين اصولا نيازمند به تفسير است; مانند اينكه در بعضى از جاهاى كتاب آمده است: باب آخر و هو من‏الاول على وجه آخر. (23) عناوين ديگر نيز گرچه متعدد است اما ايشان تنها به ذكر عناوين اصلى و فرعى اكتفا كرده است. بدان سان كه تقسيم‏بندى خوشه‏اى صورت نگرفته است. در حالى كه عناوين فرعى خود قابل تقسيم‏بندى به عناوين فرعى‏تر مى‏باشند. نتيجه اين شيوه آنست كه مثلا به جاى ذكر 18 عنوان فرعى در ذيل «ابواب مكارم اخلاق فاطمه عليهما السلام و محاسن اوصافها» (24) مى‏توان چهار عنوان فرعى ذكر كرد كه هر كدام داراى 4 يا 5 عنوان فرعى ديگر باشند.**

**تصحيح و بازسازى عناوين بر اساس رعايت دو نكته فوق كار آسانى نيست، گرچه دشوارى كارى كه مؤسسة‏الامام‏المهدى انجام داده و مى‏دهد بيشتر است. در هر صورت مى‏توان كار مؤسسه مذكور را خلق بحارالانوار ديگرى بر اساس امكانات و اطلاعات قرن پانزدهم دانست. اما اين بحارالانوار نوين نيز نيازمند «عوالمى‏» ديگر است كه به تصنيف امروزين و بازسازى و تنظيم نوين در عناوين دست زند. و اى كاش در اين عصر كه امكانات فرهنگى براى انجام تحقيقاتى از اين دست فراوان است اين دو كار به يك جا به انجام مى‏رسيد.در هر صورت سعى بى پايان و زحمات طاقت فرساى محقق محترم و مؤسسة‏الامام‏المهدى مورد تقدير است.**

**پى‏نوشت‏ها:**

**1) مقصود كتابهاى: الكافى، تاليف محمد بن يعقوب كلينى; من لا يحضره‏الفقيه، تاليف محمد بن على بن بابويه (صدوق); التهذيب والاستبصار، تاليف محمد بن‏الحسن‏الطوسى; بحارالانوار، تاليف مولى محمد باقرالمجلسى; الوافى، تاليف مولى محمد محسن فيض‏الكاشانى و وسائل‏الشيعه، تاليف محمدالحرالعاملى مى‏باشد.**

**2) ر.ك: ميرزا حسين نورى، الفيض‏القدسى فى ترجمة‏العلامة‏المجلسى، چاپ شده در:بحارالانوار (بيروت)، ج‏102، ص‏98. و آغا بزرگ طهرانى، الذريعة، ج‏15، صص‏356-357 و سيد محسن امين‏العاملى، اعيان‏الشيعه، ج‏8، ص‏87 و نيز آغا بزرگ طهرانى، طبقات اعلام‏الشيعه، تحقيق على نقى منزوى، تهران، ج‏6، ص‏452.**

**3) ر.ك: سيد مصلح‏الدين مهدوى، زندگينامه علامه مجلسى، اصفهان، ج‏2، ص‏57.**

**4) به نقل از حضرت سيد محمدباقر ابطحى.**

**5) فهرست كتابهاى خطى كتابخانه آية‏الله مرعشى نجفى، ج‏1، ص‏367.**

**6) حاج آغا بزرگ طهرانى، الذريعه، ج‏15، ص‏356.**

**7) براى تكميل اين مجموعه آقاى ابطحى خود به نگارش اين مجلدات مبادرت ورزيده است كه جزء مربوط به امام جواد عليه السلام در بيش از هفتصد صفحه منتشر شده است.**

**8) اعيان‏الشيعه، ج‏8، ص‏87.**

**9) فيض‏القدسى، بحارالانوار 102 / 98.**

**10) فيض‏القدسى، طبع فى‏البحار، ج‏102، ص‏98.**

**11) طبقات اعلام‏الشيعه، ج‏6، ص‏452.**

**12) زندگى نامه علامه مجلسى، ج‏2، ص‏57.**

**13) ر.ك: ماخذ پيشين به نقل از فهرست مجلس شوراى ملى، جزء سوم، مجلد دهم، ص‏1568.**

**14) عوالم‏العلوم والمعارف، قم، موسسة‏الامام‏المهدى، ج‏2، صص‏3-4.**

**15) زندگى‏نامه علامه مجلسى، ج‏2، ص‏57.**

**16) ناصرالدين انصارى، معرفى كتاب عوالم در مجله مسجد، ش‏10، ص‏110.**

**17) بحارالانوار، ج‏1، ص‏5.**

**18) ر.ك: بحارالانوار، ج‏1، صص‏99-105 و عوالم، ج‏2، صص‏45-51.**

**19) ر.ك: حاشيه بحارالانوار، ج‏1، صص‏99 و 104.**

**20) در مقدمه اين كتاب آمده است: ايرادالاحاديث فى كل باب على نسق خاص; مثل‏الابتداء بالمفتى بها. ثم بما يعارضه او بالعموم. ثم بما يخصصه او بالمطلق. ثم بما يقيده و مراعات‏الترتيب، بين ما كان متحدا مضمونا او مشابها لفظا او مشتركا فى‏الراوى‏الاخر و غير ذلك; مما لا يخفى على‏الناظر. جامع احاديث‏الشيعه، قم، ج‏1، صفحه ش و ت.**

**21) ر.ك: عوالم‏العلوم، ج‏11، چاپ دوم، ص‏108.**

**22) پيشين، ص‏117.**

**23) ر.ك: همين كتاب، ج‏2، صص‏157، 158، 169، 229 و 319 و ج‏11، چاپ دوم،صص‏12 و 27. مقصود از اين عنوان آنست كه اين باب همانند باب اول است ولى از جهتى تفاوت دارد.**

**24) پيشين، ص‏667.**